



## چگونه کودک را منضبط بار بیاوریم؟/ حفظ شخصیت کودک فراموش نشود

دانشمندان معتقدند که انسان موجودی اجتماعی است در اجتماع به دنیا آمده و در همانجا پرورش می یابد، آدمی بدون ارتباط با دیگر افراد قادر به زندگی کردن نمی باشد.

خبرگزاری مهر- در امور تربیتی آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد، حفظ شخصیت کودک است و در تمام برنامه های تربیتی نباید کمترین خللی به شخصیت او وارد آید. انضباط چیست؟

دانشمندان معتقدند که انسان موجودی اجتماعی است در اجتماع به دنیا آمده و در همانجا پرورش می یابد، آدمی بدون ارتباط با دیگر افراد قادر به زندگی کردن نمی باشد.

هر فردی از افراد انسان دارای تمایلات گوناگون است و بدیهی است که تحقق خواسته های همه افراد موجب برخوردها و تصادم خواهد بود. چیزی که از این برخوردها جلوگیری می نماید وجود قانون و عمل بدان است.

بنابراین حکومت قانون در جامعه بشری امری ضروری و اجتناب ناپذیر است و به عبارت دیگر آدمی به همان اندازه که اجتماعی است به همان نسبت هم نیازمند مقررات است. باز بدیهی است که قوانین به خودی خود نمی تواند از برخوردهای انسانها جلوگیری نماید مگر در صورتی که مقررات در جمع شئون زندگی مردم حکومت نمایند.

به عبارت دیگر، افراد به وسیله نظم و انضباط مقررات را رعایت می نمایند بنابراین رعایت مقررات خواه در محیط خانواده و یا مدرسه و یا اجتماع را انضباط گویند و کودکی که به گفتار پدر و مادر و شاگردی که به قوانین مدرسه و انسانی که قوانین اجتماعی را رعایت نماید فردی منظم خواهد بود.

افراد منظم در جمیع شئون زندگی خود اصول انضباطی را رعایت می کنند کار و فعالیت و استراحت و تفریح و خواب و بیداریشان همه طبق برنامه منظمی انجام می گیرد. در اجتماع به افرادی هم برخورد می کنیم که نظمشان در بی نظمی است، چیزی که در زندگی آنها به چشم نمی خورد نظم و انضباط است، این افراد اگر از امکانات فراوانی هم برخوردار باشند چون فاقد نظام روحی و روانی هستند در رفتارشان نظمی دیده نخواهد شد بنابراین انضباط، با عوامل خارجی و مادی ارتباط چندانی ندارد بلکه با روح انسان، مرتبط است و مریبان باید در روان کودکان اثر گذاشته آنان را منظم سازند و گرنه دوری و نزدیکی و استفاده از امکانات مادی نمی تواند آدمی را صد در صد با نظم سازد چه عوامل خارجی تاثیرشان محدود است.

### انضباط و آزادی

شاید برخی چنین تصور کنند که اصول انضباطی با آزادی انسان سازگار نمی باشد ولی چنین نیست چه انضباط به خاطر محدود و یا کم کردن آزادی کودکان نیست بلکه بیشتر برای این است که به کودک نشان دهد که از آزادی خود چگونه و بدون مزاحمت برای دیگران استفاده کند بدیهی است برای اینکه کودک فردی خوشبخت شده و بتواند با محیط خود سازگاری کند نیازمند انضباط است از این گذشته انضباط آزادی به معنای بی بند و باری را مقید می سازد و آزادی انسانی را محدود نمی کند.

بدیهی است وقتی کودک پا به عرصه وجود می گذارد و دوره نوزادی را می گذراند چیزی نمی داند و همه چیز را به او باید آموزش داد از خوردن و آشامیدن و خوابیدن عاجز است در این مرحله دیگران کارهای او را انجام می دهند و به او شیر می دهند و او را می خوابانند و سایر نیازمندی های او را انجام می دهند ولی وقتی به دوره جوانی می رسد دیگر خودش شخصاً همه کارهایش را انجام داده بیشتر به خودش و افکارش متکی است، بنابراین مهم ترین دوره انضباط دوره کودکی است که برزخ بین مرحله نوزادی و بلوغ است در این سنین باید پدران و مادران و مریبان باید هوشیاری کامل او را به اصول انضباطی آشنا سازند تا به تدریج به کمک و راهنمایی والدین فردی منظم بارآمده اصول انضباطی را در همه شئون زندگی رعایت نماید.

### انضباط عاقلانه

عده ای معتقدند که می بایستی انضباط را از طریق ترس در کودک بوجود آورد چون کودک موجودی طبعاً شرور است و باید او را از ارتکاب شر و فساد بازداشت با انواع انتظامات و مجازات او را محدود کرد. برخی می گویند کودک طبعاً "نیکو و صالح" است باید او را

به حال خود وا گذاشت تا هر چه دلش می خواهد آزدانه انجام دهد و نباید با انتظامات محدود کننده دست و پایش را ببندیم. در نظریه اول کودکان وقتی بزرگ می گردند چون همیشه در برابر بزرگترها خضوع داشته و تسلیم بوده اند هیچ ابتکاری از خود نشان نداده اند مسلماً در زندگی آینده با شکست مواجه خواهند شد. اما بنا به روش دوم آزادگذاشتن کودکان در این حد به حالشان زیان آور بوده در آینده به قوانین و مقررات پشت پا زده چنین افرادی در زندگی اجتماعی بیشتر مزاحمت دیگران را فراهم خواهند ساخت.

در این دو نظریه افراط و تفریط کاملاً مشهود است بین این دو نظریه روش سوم هم وجود دارد که از نواقص دو نظریه برکنار بوده به بهترین وجهی کودک را برای زندگی آینده آماده و مهیا می سازد در روش سوم مربی می کوشد کودک را طوری تربیت کند که او ذاتاً با انضباط بار آید و این همان هدف اساسی تربیت کودک است که می کوشد اصول انضباطی را در ذات او پیاده سازد تا فردی منظم گردد. در این روش انضباط به معنای اطاعت محض و فرمانبرداری نیست.

به جای فرمان دادن و گفتن اینکه این کار را بکن و آن را نکن با حفظ شخصیت کودک سعی می شود که به او تفهیم شود که زندگی بهتر در رعایت اصول انضباطی است و هرچه با نظم آشنایی بیشتری داشته باشد لذت و بهره کاملتری از زندگی خواهد برد.

#### انضباط و شخصیت

در امور تربیتی آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد، حفظ شخصیت کودک است و در تمام برنامه های تربیتی نباید کمترین خللی به شخصیت او وارد آید با توجه به این نکته اساسی مقررات انضباطی که به منظور زندگی با دیگران دنیای کودک را احاطه کرده است باید به نظر و تصویب کودک نیز برسد و کودک هم در آنها به هر عنوانی شده دخالت داشته باشد.

بدیهی است که میان عمل به قوانینی که کودک به دست خود یا در وضع آنها شرکت داشته باشد و مقرراتی که از طرف دیگران برایش وضع گردیده اختلاف آشکاری به چشم می خورد. طبق این اصل اگر بخواهیم کودک با اولین اشاره همچون ابزار آلتی در چنگ قدرت ما اسیر باشد باید با او از راه اعمال قدرت و زور رفتار کنیم. ولی اگر بخواهیم او شخصی شود که دارای فکر مستقل و با ابتکار شود و زندگی سعادت مندانه ای داشته باشد باید به او اجازه دهیم در اصول انضباطی از فکر خودش نیز استفاده نماید.

#### انضباط عملی

بهترین وسیله برای پرورش روح انضباطی رفتار خارجی پدران و مادران است چه اگر توأم با نظم و نظامی باشد عملاً درس انضباط به کودکان داده خواهد شد و به عبارت دیگر رفتار اولیاء آنچنان باید منظم باشد که کودکان نظم و انضباط آنان را برای خود سرمشق و نمونه قرار دهند.

حضرت علی (ع) هنگامی که در بستر شهادت آرمیده بود در خلال حساس ترین فرازهای آموزنده که به فرزندان خود سفارش می نمود راجع به نظم و انضباط با جمله بسیار کوتاهی تأکید فراوان نموده فرمود هر مسلمان باید در جمیع شئون زندگی خود نمونه ای از نظم و انضباط باشد.